



می‌دهد. بنابراین روندها اینگونه نشان می‌دهد. ما هم در مقام نظام و افرادی که کار رسانه‌ای، سیاسی و دانشگاهی انجام می‌دهیم باید روی این موضوع متمرکز شویم که چگونه می‌شود روندها را از حالت فعلی خارج کرد. تنش و اضطرابهایی که وجود دارد علامت یک روند زیرین است. یعنی در حال رشد است.

آقای مقصود فراستخواه یک نظریه داده اند برای توضیح این که در تاریخ معاصر ما دچار فقدان تداوم نهادها و ساختارها بودیم. پس چه چیزی این بهبودهای اندک را در حوزه‌های مختلف برای ما بوجود آورده است که پاسخ ایشان کنشگران مرزی بوده است. آیا شما کنشگران مرزی را می‌بینید. برای مثال آقایان میدری و یاستاری فرمی توانستند کنشگر مرزی باشند؟ همچنین غیر از کنشگر مرزی چه اقدام دیگری را باید انجام داد؟

مسئله تعریف یک دستور کار مشترک است که هدف آن کمک به ایران و تعریف یک دستور کار است. ما برای تحقق آن باید چه کنیم؟ در این داستان بازیگر کلیدی نظام سیاسی است. یعنی نظام سیاسی می‌تواند عرصه و سفره‌ای باز کند چارچوبی را ایجاد کند که در این چارچوب همه برسریک دستور کار به توافق برسند. کسی که می‌تواند زمینه را فراهم کند که همه اعم از گرایش‌های سیاسی و اجتماعی که هر کدام افق خود را دارند، بر سر این دستور کار مشترک گفت و گو کنند به نظر من نهادهای نظام سیاسی است. در ذیل این بازیگرانی وجود دارند مانند نهادهای مدنی که خیلی مهم هستند. نهادهای مدنی و گروه‌های مرجع که آقای دکتر فراستخواه آنها را کنشگران مرزی می‌داند، اگر به اجماع برسند و گفت و گوی عمومی را ایجاد و داستان جمعی شکل دهند که مبتنی بر طرد و حذف نباشد، می‌توان به آینده ایران امیدوار بود.



ما در دهه ۷۰ و ۸۰ روند توسعه ای بدی نداریم و رشد چهار و پنج درصدی داریم تورم همیشگی بود اما دسترسی به خدمات در حال افزایش است. سطح پوشش آموزش عالی در حال افزایش است به تعبیری شاخص‌ها می‌گویند روند ما روبه بهبود است

ما از اقلیم ایران بیش از توان بهره کشیدیم و آن را خرج رفاه خود کردیم. شاخص‌های بنیادین توسعه ای زمانی که روبه افول رفت اثرش این بود که جامعه را درگیر نوعی تنش و اضطراب می‌بینید. تنش و اضطرابی که امسال نسبت به ۱۴۰۲ بیشتر شده و قطعاً در سال آینده بیشتر خواهد شد. براساس روندها باید صحبت کرد. شما ببینید شاخص‌های تولید ناخالص ملی و درآمد سرانه افت را تجربه می‌کند. میزان جمعیت زیر خط فقر در حال گسترش است. میزان تولید برق با مصرف منطبق نیست. براساس این آمارها ۱۴۰۴ با تنش‌ها و اضطراب‌های خرد و کلان مواجه خواهیم بود و قابل پیش بینی به نظر می‌رسد. همین مردم در خیابان‌ها این موضوع را با بیان دیگری مطرح می‌کنند. به همین دلیل مردم داری‌های خود را به کالاهای ارزی تبدیل می‌کنند. این یعنی جامعه تشدید تورم را پیش بینی می‌کند و این فرصتی را به دشمنان می‌دهد که وزیر خزانه داری آمریکا می‌گوید من اگر ایرانی بودم ریال ذخیره نمی‌کردم. به تعبیری یک بازی روانی با جامعه ما انجام

اما عملاً حاله دادن موضوع به محالات است. چون به اندازه ای این موضوعات فرهنگی عمیق و چند لایه است که برای مسائل فوری راهکار نمی‌دهند و به تعبیری حاله به محال می‌شود. آنهایی هم که بحث‌های رانت‌های مولد و غیرمولد را مطرح می‌کنند عملاً به گونه ای مطرح می‌کنند که مشخص نیست چگونه این کار انجام می‌شود. یعنی راهکار وجود ندارد. برای مثال اتفاقی که در کشور اسکاندیناوی افتاد این بود که اول این اتفاق رخ داد بعد آن را تئوریزه کردند. یعنی در یک فرایند غیرمهندسی شده اتفاق می‌افتد بعد یک عده پیرامون آن بحث می‌کنند. مختصات کلی آن ایجاد سازوکارهایی که در آن در نهایت نیروهای اجتماعی و سیاسی مختلف قادر باشند ضمن اینکه دیگران را بپذیرند جایگاه خودشان هم حفظ شود. اما اینکه چگونه این اتفاق می‌افتد اصلاً آسان نیست ما مساله، اولویتها و ترجیحات را می‌دانیم و حتی می‌دانیم مساله از کجا ریشه می‌گیرد اما نمی‌توان پاسخی برای تحقق خروج از این افتراق و واگرایی در بین گرایش‌های مختلف سیاسی و اجتماعی وجود دارد به وضعیتی برسیم که حداقل همگرایی را داشته باشد. یعنی من نمی‌توانم پاسخ درستی به این سوال بدهم.

شما به عنوان یک نخبه اجتماعی و فکری که برای ایران دانش می‌اندوزد می‌توانید به من شهروند بگویید در ۱۴۰۴ چه چیزی در انتظار من ایرانی است و به کدام سو حرکت می‌کنیم؟

ما در دهه ۷۰ و ۸۰ روند توسعه ای بدی را نداریم و رشد چهار و پنج درصدی داریم تورم همیشگی بود اما دسترسی به خدمات در حال افزایش است. سطح پوشش آموزش عالی در حال افزایش است به تعبیری شاخص‌ها می‌گویند روند ما روبه بهبود است.

در آن مقطع تولید ناخالص داخلی مثلاً عربستان ۵۰۰ میلیارد و ترکیه ۴۲۰ میلیارد و ما تولید ناخالص داخلی ما ۴۱۰ میلیارد بود یعنی فاصله نزدیکی با همسایگان در منطقه داشتیم. بله درست است زمانی که سند چشم انداز در حال بررسی بود واقعا قابل دسترسی به نظر می‌رسید. غیرواقعی نبوده نبود. بنابراین تا اواخر دهه ۸۰ وضعیت روبه بهبودی در کشور داشتیم. اما اتفاقی که در ۷ الی ۸ سال اخیر افتاده این است که عملاً ترقی و توسعه متوقف شده و در بسیاری از حوزه‌ها شاخص‌ها رو به افول بوده است. رشد زیکزاک شدیدی داشتیم و یکی دوسال نخست به دلیل زیرساخت‌هایی که سال‌های گذشته ایجاد شده بود از جیب هزینه کردیم اما در یکی دو سال اخیر اثرات آن در این سال‌ها بر جامعه مستولی شده و تورم‌های بالای ۴۰ تا ۵۰ درصدی، افزایش‌های روزهای آلوده و یا ناترازی‌های مختلف می‌بینید.